

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسندگان: د. ک. میتروپولسکی، ی. ا. زوبریتسکی، و. ل. کروف
برگردان به فارسی: م. مینو خرد و ح. کامرانی
بازتایپ و ارسال: "رادمان" هوادار سازمان آزادیبخش مردم افغانستان "ساما"
۲۶ اپریل ۲۰۲۱

زمینه تکامل اجتماعی

(۱۰)

مناسبات بازرگانی:

مناسبات بازرگانی نخست در میان کشور هائی به وجود آمد که در سواحل دریا ها و کناره رودخانه ها گسترده شده بودند. شهر – دولت های برده دار فنیقی که در هزاره سوم پیش از میلاد و در سواحل بحیره مدیترانه بنا شدند، شهر هائی ویژه بازرگانی بودند. فنیقیان با آسیای صغیر، قبرس، کرت، یونان و دیگر کشور های مدیترانه ئی روابط بازرگانی برقرار کردند، از آسیای صغیر نقره، سرب و آهن و از قبرس مس می خریدند. در روزگار باستان، در آسیا و افریقا راه های بازرگانی مناسبی ساخته شد که کشور های دور را به یک دیگر می پیوست.

جاده کاروانروی به نام "راه ادویه" از جنوب عربستان و شهر های سواحل شرقی مدیترانه می گذشت و در طول کرانه بحیره سرخ به سوی شمال کشیده می شد. کالا هائی که معامله می شدند، روغن چراغ، مرمکی (۱)، ادویه های هندی و افریقائی، طلا و بعد ها برده بودند.

راه کاروانرو دیگری از جنوب عربستان به بین النهرین امتداد می یافت. بازرگانان اجناس خود را از تنگه باریک باب المندب در شرق افریقا می گذرانند و سپس آنها را به سوی شمال می فرستادند.

یک راه کاروانرو باستانی از آسیای میانه می گذشت و چین را به ایران و کشور های سواحل مدیترانه می پیوست. کالا هائی چون فلز، چرم و به ویژه ابریشم از چین صادر می شد. این جاده به نام "راه ابریشم" معروف گردید.

در زمان امپراتوری کوشان [کوشانی ها]، آسیای میانه نیز، یکی از مراکز بازرگانی به شمار می رفت. تاجران کوشان، شیشه و سنگ های قیمتی به چین می بردند. آسیای میانه با هند، کشور های کرانه شرقی بحیره مدیترانه، اروپای خاوری و امپراتوری روم، روابط بازرگانی برقرار کرد.

با پیشرفت مبادله کالائی، نابرابری اقتصادی هر چه بیشتر افزایش یافت. تهیدستان برای آن که قوت لایموتی به چنگ آورند، ناچار بودند ابزار های مورد نیاز خود را از توانگران اجاره کنند و از آنان پول وام بگیرند. نپرداختن بدهی همان بود و به بندگی در آمدن همان. بدین گونه روز به روز بر اردوی بردگان افزوده می شد. از سوی دیگر وام

دهندگان بیش از پیش ثروتمند می شدند. آنان به رباخواری تبدیل می شدند که پول های فراوانی می انباشتند، به این نیت که آنها را به بهره گزاف به بیچارگان وام بدهند.

مبارزه طبقاتی و اهمیت آن

با پیدایش طبقات، تاریخ انسان جلوه گاه ظهور برخی طبقات و نابودی بعضی دیگر شد، یعنی به تدریجی از مبارزه بی امان طبقاتی تبدیل یافت.

تاریخ نظام بردگی، مبارزه ای است میان طبقات، یعنی بردگان و برده داران. مبارزه طبقاتی زاده اختلاف در پایگاه اقتصادی و تضاد های موجود در منافع طبقات گوناگون است. پایگاه هر طبقه در نظام تولید اجتماعی، تعیین کننده منافع طبقاتی آنست.

برندگان از تمام حقوق مالکیت محروم بودند و خود جزو اموال اربابان شان به شمار می رفتند. از آنان چنان بی رحمانه بهره کشی می شد که هیچ طبقه دیگری هرگز در تاریخ این چنین استثمار نشده است. بنابر این، آنان از دل و جان خواستار آن بودند که به این شیوه تولید و نظام سیاسی که آنان را به سیه روزی کشانده بود و از طرف برده داران اعمال می شد، پایان دهند. ولی، با آن که بردگان طبقه ای انقلابی بودند، خصلت انقلابی آنان محدود بود.

قیام های بردگان، سخت ترین شکل مبارزه طبقاتی در دولت های برده دار باستانی افریقا و آسیا بود. از این رو، در اواخر امپراتوری میانه مصر، طبقات پائین قیام خونینی برپا کردند که در آن دهقانان و صنعتگران تهیدست نیز به بردگان پیوستند.

چین باستان هم در طی چندین قرن، قیام های بردگی فراوانی به خود دید. در سده هجدهم پیش از میلاد، قیام سختی در گرفت که رزمندگان برای آن که مشخص باشند، ابرو های خویش را قرمز می کردند، از این رو این جنبش به نام طغیان "سرخ ابروان" مشهور شد. این قیام را بردگان، افراد آزاد، ماهیگیران، صنعتکاران و بازرگانان کوچک برپا کردند. آنان پس از پیروزی بر سپاهیان دولتی، به سوی پایتخت روان شدند و آن را اشغال کردند. با آن که این پیکار جویان، تشکیلات سازمانی و انضباط خوبی نداشتند، طبقه حاکم برای سرکوبی آنان نهایت کوشش خود را به کار برد. قیام کنندگان نتوانستند در برابر یورش سخت سربازان مسلح طبقه حاکم پایداری کنند و پراکنده شدند. در آن زمان شرایط عینی برای الغای بهره کشی انسان از انسان وجود نداشت و نمی توانست هم وجود داشته باشد. اما قیام های افراد آزاد، صنعتگران و بردگان به رغم رو به رو شدن با ناکامی، ماهیت برآستی مترقیانه ای داشتند، زیرا تا اندازه ای از سنگینی بار استثمار می کاستند.

این قیام ها، که نخستین کوشش خلق ها برای کسب آزادی به شمار می روند، سنت های مبارزه طبقاتی را پی ریزی کردند و مستحکم ساختند. حتی کوچک ترین موفقیتی که از یک قیام به دست می آمد، وضع تولید کنندگان را بهبود می بخشید.

ایدئولوژی و فرهنگ نظام های برده داری باستانی

نقش دین:

یک جنبه مشخص ایدئولوژی دولت های برده دار باستانی، ماهیت دینی آنها بود. این امر در مورد بابل، مصر، هند، اورارتو، و کشور های امریکائی صادق بود. اگر چه دین با شعائر و افسانه های مذهبی گوناگون، اشکال مختلفی به

خود گرفت، ولی ماهیت تعالیم آن یک چیز بود، می خواست توده های زحمتکش را از خدایان خشمگینی که همیشه مراقب و در زندگی و پس از مرگ برای کیفر دادن شان آماده اند، بترساند و آنان را مطیع محض بار آورد. با توصیفاتی که در بعضی از تعالیم دینی از بهشت و دوزخ آمده است، درمی یابیم که خداوند نافرمانی از طبقات ثروتمند را در دوزخ کیفر می دهد و پاداش کسانی را که در زمین رنج و اندوه می برند، در بهشت. روحانیان با شیوه های گوناگون می کوشیدند توده ها را مجاب کنند که حاکمیت طبقات ثروتمند، قدرتی است خدادادی. این امر، به ویژه در دولت های استبدادی گوناگونی که حکومت را خدائی، و خود پادشاه را خدا می شمردند، بخوبی آشکار است. پیدایش یک فرمانروای یگانه زمینی، موجب سر بر آوردن خدای خدایان در تعالیم دینی گردید. این گذر تدریجی از چند خدائی (۲) به یکتا پرستی (۳) در اکثر دولت های برده دار باستانی، در مراحل گوناگون و به اشکال مختلف به چشم می خورد.

همچنان که توده های مردم توانائی در برابر نیرو های طبیعت را نداشتند، در مقابل استثمارگران نیز قادر به مقاومت نبودند. این ناتوانی، برای طبقه حاکم دستاویز سودمندی بود تا ایدئولوژی طبقه خود را در ذهن آنان جایگزین سازد. اما، این دیدگاه، اعتبار خود را رفته رفته از دست می داد.

عناصر ماده گرایی و دیالکتیک:

دو عامل اساسی موجب تحلیل رفتن دیدگاه مذهبی گردید. نخستین عامل اندوختن دانش تجربی بود. نیرو های تولیدی پیشرونده، راه را برای کشف بسیاری از قوانین طبیعت هموار ساختند. روزگاری بود که ساکنان بین النهرین می پنداشتند که طغیان رود ها نتیجه خشم نیروئی ناشناخته و فوق طبیعی است. آنان سرانجام دلیل این امر را دریافتند و با دیدن مداوم این طغیان ها دوره طبیعی رخ دادن آنها را به یاد سپردند.

ابتدائی ترین نظرات ماده گرا پدید آمد، و حتی در پاره ای موارد، نخستین تعالیم ماده گرا را به وجود آورد. در نیمه دوم هزاره دوم پیش از میلاد، نخستین مفهوم مادی از جهان، در برابر مفاهیم دینی پذیرفته شده، قد افراشت. اولین فلاسفه ماده گرا بر آن بودند که جهان مرکب از عناصر ابتدائی است و همه چیز در گیتی، در نتیجه کنش های متقابل دو نیروی کیهانی – پیوسته در حال حرکت و تغییر اند. بدین سان، نخستین جوانه های ماده گرایی (۴) و حتی دیالکتیک نمودار شد.

دومین عامل بزرگی که از نفوذ ایدئولوژی مسلط بر توده ها (که ایدئولوژی طبقه حاکم بود) می کاست، زندگی فلاکت بار آنان بود. فقر چاره ناپذیر و محرومیت از همه گونه حقوق انسانی، آنان را وادار می کرد که در برابر دولت برده دار و روحانیان به پا خیزند.

ادامه دارد

توضیحات:

۱. مرمکی: درختچه ای که در نواحی گرم کره زمین و بیشتر در حوالی بحیره سرخ و هندوستان و مدغاسکر و سنگال می روید. م.

۲. Polytheism

۳. Monotheism

۴. Materialism